

## بررسی ضمانت اجرای کیفری حقوق گردشگران در مناطق مختلف جغرافیایی کشور با توجه به فرهنگ‌ها و اقوام مختلف<sup>۱</sup>

مهشاد بهرامی

کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد مهدی رحیمی<sup>۲</sup>

استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

### چکیده

با توجه به این که گردشگری اساساً مبتنی بر حرکت از یک مکان جغرافیایی به مکانی دیگر است که ساکنان آن (مقصد) از نظر فرهنگی و قومیتی با گردشگران خارجی (مبدأ) یکسان نیستند و بنابراین ممکن است برخوردها و نزاع‌هایی که جنبه حقوقی داشته باشند در این تلافی به وقوع بپیوندد سؤال اصلی مقاله این است که ضمانت اجرای کیفری حقوق گردشگران در منابع و متون حقوقی ایران کدام‌اند؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که هنوز تعریف مشخصی از حقوق گردشگر خارجی (به عنوان شهروند در جامعه جهانی) در مجموعه قوانین مدون صورت نگرفته و اندیشه حقوق شهروندی گردشگر تبیین نشده است. همچنین اندیشه اسلامی با وجود عمق و غنای آن چندان با شرایط عصر کنونی سازگار نیست و نیاز به نوعی بازنگری در چارچوب فرهنگ بومی دارد. همچنین اجرای دقیق مقررات به اضافه‌ی تغییر دیدگاه و تغییر تلقی قانون‌گذاران در بخش توریسم نسبت به مجموعه‌ی توسعه‌ی پایدار گردشگری- با مشاهده‌ی روند پویای تصویب و تکوین قوانین و مقررات گردشگری در جهان- نه تنها می‌تواند باعث تکامل قوانین حقوقی گردشگری در جمهوری اسلامی ایران شود بلکه می‌تواند باعث ارائه‌ی تکنیک‌ها و مدل‌های جدید در فرآیند توسعه‌ی پایدار توریسم ایران گردد. علاوه بر این هر چند که حقوق گردشگری در ایران تحت عنوان قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گردآوری شده است اما با توجه به تحقیقات انجام شده، ضوابط مذکور دارای کاستی‌هایی است که نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. نهایتاً یکی از موضوعات مهم و درعین حال مغفول مانده، وضعیت حقوقی جهانگردان غیرمسلمان است. این گروه از جهانگردان ضمن برخورداری از حقوق انسانی و کرامت ذاتی، به لحاظ عقاید دینی با محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی، از جمله عدم قصاص، تشدید مجازات در موارد خاص و نداشتن امکان ورود به اماکن مقدسه، مساجد و... مواجه هستند. روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مقالات علمی- پژوهشی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری است.

**واژگان کلیدی:** ضمانت اجرای کیفری، حقوق گردشگران، قومیت، فرهنگ.

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سرکار خانم مهسا بهرامی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) mm.rahimi1985@gmail.com

## مقدمه

گردشگری به عنوان صنعت نوظهور عصر جدید، به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان تبدیل شده است. بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه نیز از صنعت گردشگری به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند. این رویه کشورها را واداشته است تا با اتخاذ محدودیت‌ها و راه‌حل‌هایی، آن را در جهت پایدار هدایت کنند؛ بنابراین تدوین قوانین و مقرراتی به منظور حمایت از گردشگران (توریست‌ها) و ایجاد امنیت برای آن‌ها امری ضروری است، زیرا ورود گردشگران خارجی به هر کشور و رونق گردشگری خارجی تا حد زیادی با قوانین و مقرراتی که از حقوق آن‌ها حمایت کند، مرتبط است. در ایران گردشگری دارای قدمت چند هزار ساله است، به نحوی که از زمان هخامنشیان مسافران زیادی (با انگیزه‌های تجاری) به ویژه از اروپا (یونان و دیگر کشورها) وارد ایران می‌شدند. به دنبال گسترش مسافرت به ایران، موضوع جلب جهانگردان خارجی و نیز ایجاد سازمانی برای تمرکز امور مربوط به سیاحان مطرح شد. با این هدف، در سال ۱۳۱۴ برای اولین بار در وزارت داخله (کشور)، اداره‌ای به نام اداره جلب سیاحان خارجی و تبلیغات تأسیس گردید و انجام امور مربوط به جهانگردی کشور را به عهده گرفت. تأسیس این نهاد در وزارت کشور با این هدف شکل گرفت تا امکاناتی را برای توسعه و گسترش این صنعت فراهم آورد. این اقدام نخستین گام در جهت تدوین قوانین گردشگری بود که البته ارتباطی به «حق» گردشگر نداشت (کریمیان و روستایی، ۱۳۷۳: ۱۱۷).

در سال ۱۳۲۰ «شورای عالی گردشگری» جایگزین اداره امور گردشگری شد تا اینکه در سال ۱۳۴۲ «تأسیس سازمان جلب سیاحان» به تصویب هیئت وزیران رسید و این سازمان به کیفیت مذکور رسمیت یافت و فعالیت خود را گسترش داد. بعدها امور ایران‌گردی و گردشگری به وسیله چهار شرکت سهامی به نام‌های شرکت سهامی تأسیسات گردشگری ایران، شرکت سهامی گشت‌های ایران، شرکت سهامی مرکز خانه‌های ایران و شرکت سهامی سازمان مراکز گردشگری، برای ورزش‌های زمستانی زیر نظر وزارت اطلاعات و گردشگری اداره می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۵۸، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور جلوگیری از تداخل وظایف چهار شرکت مذکور و هماهنگ کردن کلیه فعالیت‌ها و موضوعات مربوط به گردشگری بر اساس مصوبه ۲۱/۸/۱۳۵۸ شورای انقلاب، ادغام چهار شرکت تصویب گردید و سازمان مراکز ایران‌گردی و گردشگری با ترکیب و بافت جدید و با خط‌مشی و اهدافی متمایز از گذشته، به منظور اداره و بهره‌برداری از ۱۴۴ واحد پذیرایی و ارائه خدمات گردشگری با سرمایه اولیه ۲۵۶۹۳۰۰۰ ریال فعالیت خود را آغاز کرد (یوسفی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۶).

در سال ۱۳۵۸ اساسنامه جدید سازمان تهیه و تنظیم شد و بعدها تغییرات دیگری با نظریه قانون اساسی حاکم ایجاد شد. در پی چنین تغییراتی بر اساس مصوبه ۱۹/۱۱/۱۳۵۸ شورای انقلاب، خرید و اداره هتل‌های بنیاد علوی به سازمان مراکز ایران‌گردی و گردشگری تفویض گردید. این اقدام حجم عملیات سازمان مراکز ایران‌گردی و گردشگری تفویض گردید. این اقدام حجم عملیات سازمان مراکز ایران‌گردی و گردشگری را در سطح وسیعی بالا برد و سرمایه سازمان را بسیار افزایش داد و بر دیون و تعهدات نیز افزود. معضلات و مشکلات حادث از چنین ادغامی و مخالفت سازمان برنامه و بودجه، زمینه را برای تصویب مقررات دیگر فراهم کرد تا اینکه در سال ۱۳۶۱ طبق مصوبه شماره ۱۳۸۴ مورخ ۱۶/۱/۱۳۶۱ اداره هتل‌ها تحت پوشش سازمان مراکز ایران‌گردی و

گردشگری مجدداً به بنیاد مستضعفان (بنیاد علوی) برگشت داده شد و دفتر ایران‌گردی و گردشگری از ادارات تابعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۵۹ به منظور ایجاد هماهنگی، نرخ‌گذاری تأسیسات سیاحتی کشور- اعم از خصوصی و دولتی- برقراری ارتباط بین‌المللی با ارگان‌ها، نهادهای گردشگری خارجی، شرکت در سمینارها، نمایشگاه‌های و مجامع بین‌المللی گردشگری، تهیه جزوه و نقشه حاوی اطلاعات مورد نیاز برای راهنمایی سیاحان داخلی و خارجی، نظارت بر امور خدمات مسافرتی، توسعه و گسترش تبلیغات ایران‌گردی و گردشگری در سطح کشور تشکیل شد. در این رهگذر در سال ۱۳۵۸ بر اساس مصوبه هیئت‌وزیران اداره امور سازمان عمران کیش به سازمان ایران‌گردی و گردشگری واگذار گردید و پس از آن به علت مشکلات عدیده، در سال ۱۳۶۱ مجدداً از سازمان ایران‌گردی و گردشگری جدا شد (یوسفی پور، ۱۳۷۸: ۱۶).

در تاریخ ۷/۷۰/۱۳۷۰ قانون توسعه صنعت ایران‌گردی و گردشگری به منظور تعیین سیاست‌های ایران‌گردی و گردشگری و ایجاد هماهنگی لازم بین دستگاه‌های ذی‌ربط شورای عالی ایران‌گردی و گردشگری به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور خارجه، امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و آموزش عالی، راه و ترابری کشور، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست کشور و رئیس سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد. صنعت گردشگری بدین منوال در کشور در جریان بود تا اینکه در تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و به وسیله رئیس‌جمهوری برای اجرا به نهاد ریاست‌جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ابلاغ شد. این قانون مشتمل بر ۱۲ ماده و ۷ تبصره بود. بر اساس ماده یک این قانون سازمان میراث فرهنگی کشور و ایران‌گردی و جهانگردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتزع گردید و از ادغام آن‌ها سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با کلیه اختیارات و وظایفی که سازمان‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مختلف دارا بوده‌اند همراه با کلیه امکانات و اموال و نیروی انسانی، زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور تشکیل شد. رئیس سازمان با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود (یوسفی پور، ۱۳۷۸: ۱۶). در این روند تاریخی تعاریف گردشگری نیز دستخوش تغییراتی شده است؛ اما آنچه که امروز مطرح است، بر اساس دیدگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، کسی گردشگر است که در حوزه سرمایه‌گذاری‌های صنعت گردشگری حرکت می‌کند- یعنی با تور سفر می‌کند، در هتل اقامت می‌کند، در رستوران غذا می‌خورد، از مراکز دیدنی با تهیه بلیت دیدن می‌کند و سوغاتی می‌خرد (نیکنام، ۱۳۹۳: ۵۱).

اسلام، گردشگری را از دو منظر مورد توجه قرار می‌دهد: نخست آنکه گردشگری زمینه مشاهده جهان خلقت، دستاوردهای بشری و تفکر در آثار صنع الهی را فراهم می‌آورد. دوم، گردشگری موجب آشنایی فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ اسلامی می‌شود. امام خمینی، یکی از مجتهدان شیعه، در این باره چنین می‌گوید: «می‌بایست علاوه بر سفرهای رسمی، سفرهای غیررسمی هم بنماییم تا جهان را بیدار کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۱۹۵). در آیات قرآنی نیز به کرات به حضور بیگانگان در کشورهای اسلامی و نحوه برخورد با آن‌ها پرداخته شده است. پرواضح است که با توجه به چنین تأکیدهایی در زمینه گردشگری در اسلام به جنبه‌های گوناگون این صنعت توجه شده است. در تفکر اسلامی انسان آزاد است و این آزادی در حدود مسئولیت او تعیین می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۳: ۲۴).

هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محل دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهرها و کشورهای اسلامی یا خارج از آنها در موقع ضرورت انتخاب کند. هرکسی که در جامعه‌ای منکوب و بینوا شود، می‌تواند به جامعه دیگری پناهنده گردد. بر هر جامعه‌ای که انسانی پناهنده شده واجب است که او را پناه بدهد تا او را به جایگاه امن برساند...». آن‌گونه که در اصل ۴۲ قانون اساسی بیان شده است، اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و مسلمان بودن شرط بهره‌مندی از حقوق شهروندی نیست. این حق به اعتبار تابعیت برقرار می‌گردد (اکبری و نظری، ۱۳۹۵: ۵۸). مقررات حقوقی یکی از علل و عوامل اساسی در توسعه صنعت گردشگری است. این رویه کشورها را واداشته است تا با اتخاذ محدودیت‌ها و راه‌حل‌هایی، آن را در جهت پایدار هدایت کنند. بنابراین تدوین قوانین و مقرراتی در جهت حمایت از گردشگران و ایجاد امنیت برای آن‌ها امری ضروری است، زیرا ورود گردشگران خارجی به هر کشور و رونق گردشگری خارجی تا حد زیادی با قوانین و مقرراتی که از حقوق آن‌ها حمایت کند، مرتبط است. ضرورت اصلی طرح چنین موضوعی نیاز مبرم به احیای گردشگری، آن هم نه تنها برای اهداف اقتصادی بلکه برای بازیابی عظمت ایران در عرصه بین‌المللی است. با کمی تأمل در این زمینه می‌توان دریافت که ورود گردشگر به هر کشور در کنار دارا بودن جاذبه‌های گردشگری (چه طبیعی و چه انسانی) نیازمند پیش‌شرط‌هایی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در نظر گرفتن حقوق گردشگران است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی ضمانت اجرای کیفری حقوق گردشگران در مناطق مختلف جغرافیایی کشور با توجه به فرهنگ‌ها و اقوام مختل. با توجه به این که گردشگری اساساً مبتنی بر حرکت از یک مکان جغرافیایی به مکانی دیگر است که ساکنان آن (مقصد) از نظر فرهنگی و قومیتی با گردشگران خارجی (مبدأ) یکسان نیستند و بنابراین ممکن است برخوردها و نزاع‌هایی که جنبه حقوقی داشته باشند در این تلافی به وقوع بپیوندد سؤال اصلی مقاله این است که ضمانت اجرای کیفری حقوق گردشگران در منابع و متون حقوقی ایران کدام‌اند؟

### رویکرد نظری

در گذشته به گردشگران سیاح نیز گفته می‌شد که در اصل واژه‌ای عربی برگرفته از فعل سیاحت بوده است. سازمان جهانی گردشگری با توجه به تمامی تعاریف گردشگری که تا قبل از سال ۱۹۹۴ ارائه شده بودند در سال ۱۹۹۵ یک تعریف نهایی منتشر کرد: مجموعه فعالیت‌های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است. البته اهدافی نظیر اشتغال و کسب درآمد شامل آن نمی‌شود» بر این اساس کسانی که شامل این تعریف می‌شوند نیز گردشگر نامیده می‌شوند (جعفری صمیمی و خیره، ۱۳۹۲: ۲۴-۱۱).

حقوق کیفری یا حقوق جزا یا حقوق جنایی شاخه‌ای از حقوق عمومی است که به بررسی حمایت‌های دولت از حقوق افراد و ارزش‌های جامعه می‌پردازد. اساساً قوانین جزایی آفریننده حقوق برای افراد جامعه نیست؛ بلکه تنها افراد را مجبور به رعایت حقوق و ارزش‌ها می‌کند. به همین دلیل است که حقوق جزا را، «حقوق ارزش‌ها» نیز نامیده‌اند. مشخصه بارز حقوق جزا (کیفری)، ضمانت اجرای شدید آن است. این مجازات و کیفر است که حقوق

جزا را به رشته‌ای سرکوب‌گر، در مقابل سایر گرایش‌ها تبدیل کرده است. از آن جا که این ابزار تنها در اختیار حاکمیت است، حقوق جزا را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۶).

ضمانت اجرا عبارت است از وسیله مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی (اعم از امر و نهی) و یا جبران زیان دیده یا به عبارت دیگر ابزاری است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین می‌نماید و از طرف قوای عمومی در جامعه بکار گرفته می‌شود. ضمانت اجرا وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجه مخالفت با قانون دامن‌گیر شخص می‌شود. در قدیم حق انتقام، خون‌بها و جبران خسارت حق حبس (در حقوق رم) یا فروش شخص بدهکار به‌عنوان برده بود (عمو شاهی، ۱۳۷۸: ۳۴).

برای آنکه حقوق قادر به حصول هدف باشد (تنظیم روابط در جامعه) اجباری بودن قواعد آن و همراه بودن با ضمانت اجرا را ضروری می‌نماید. اعلاماتی که همراه تکلیف و اجبار نباشد جنبه حقوقی ندارد و تنها مقدمه اوامر و نواهی قانون‌گذار است. البته باید توجه داشت که ضمانت اجرای پاره‌ای از قواعد حقوقی هنوز هم ناقص است (بخصوص در حقوق عمومی و روابط بین‌المللی) تا حدی که پاره‌ای از نویسندگان ناگزیر ضمانت اجرا را از ممیزات قواعد حقوقی حذف نمودند.

به‌طور کلی باید دانست که دو نوع ضمانت اجرا قابل تمیز می‌باشد:

۱- ضمانت اجرای کیفری یا جزائی یا عقوبتی که در نتیجه آن نوعی مجازات و یا جریمه بر عامل تخلف تحمیل می‌کند، نقصان و یا تاوان بر دارائی، آبرو و اعتبار یا زندگی و آزادی و تمتعات او متوجه می‌سازد این نوع همان ضمانت اجرای موضوع حقوق جزا می‌باشد.

۲- ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی یا ترمیمی و اعاده وضع سابق هدف از این نوع ضمانت اجرا اعاده وضع سابق (قبل از انجام خلاف قانون) می‌باشد گاهی اعاده وضع با اعمال زور توأم است و گاهی چنین نیست بلکه صرف بطلان یا الغای آثار اجتماعی عملی آن است که نتیجه مطلوب را حاصل می‌نماید.

اجمالاً اجباری که با قواعد حقوقی همراه است به صورت‌های زیر متجلی می‌گردد:

اول- مجازات شخص متمرّد: اعدام، حبس، تبعید درباره فرد و غرامت، مصادره اموال در رابطه با اموال و دارائی وی.  
دوم- اجرای مستقیم به‌وسیله قوای عمومی، اخراج غاصبی که ملک دیگری را به زور تصرف کرده به حکم دادگاه و یا دادن مال بدهکار ممتنع از ایفای دین به بستانکار یا بازگرداندن کودک که خانه پدری را ترک کرده به اقامتگاه قانونی خود (به حکم دادگاه) (عمو شاهی، ۱۳۷۸: ۳۴).

سوم- اعمال حق از طریق بطلان اعمال خلاف در این‌گونه موارد دادگاه حکم بطلان صادر می‌نماید.

چهارم - جبران ضرر حاصل از تجاوز به قواعد حقوقی مسئولیت ایجاد شده وسیله اجبار به اطاعت از قانون است. مواد ۳۱۵-۳۲۹-۳۶۵ قانون مدنی ملاحظه شود. لازم به تذکر است که در پاره‌ای موارد تجاوز از قواعد حقوقی با دو یا چند وسیله گوناگون تضمین می‌شود: مجازات سرقت (استرداد مال و ...)

با توجه به اینکه برای همه قواعد حقوقی یک نوع ضمانت اجرا وجود ندارد برای شناخت مفهوم ضمانت اجرا باید به یک مفهوم مورد توافق دست یافت. در مفاهیم جدلی، گام اول، ارائه تحلیل مفهومی اصطلاح مورد بحث است. در تحلیل مفهومی سعی بر این است تا با توافقی حداقلی بر معنای اولیه یک مفهوم، راه را برای بحث و فحص بیشتر

راجع به آن هموار کرد؛ در غیر این صورت نمی‌توان گفت که راجع به چه سخن می‌گوییم و موافقت و مخالفت خود را ابراز کنیم. دستیابی به توافق حداقلی از طرق مختلفی مانند تحلیل زبانی و یا مفهومی که به لحاظ اخلاقی و ایدئولوژیک بی‌طرف باشد امکان‌پذیر است. در بیان گزاره‌های مورد توافق تقریباً هنگامی در توضیح یک اصطلاح همه به دنبال ویژگی‌های ضروری و لاینفک تشکیل دهنده آن اصطلاح می‌باشند؛ کافی است نشان داده شود که عناصر مشترک و مورد توافق، به طور فراگیر مقبولیت داشته و همگان از اصطلاح مزبور معنای حداقلی را استنباط کنند. با این مقدمه ابتدا لازم است بدانیم مفهوم ضمانت اجرا چیست؟ (عمو شاهی، ۱۳۷۸: ۳۴).

در توضیح باید گفت مقرراتی که مربوط به نظم عمومی و قواعد آمره می‌آید، هر یک را مبانی متعددی است چنانکه قانون‌گذار، برای تشریح حکمی نه تنها انگیزه‌های متعددی دارد که اهداف معین را دنبال می‌کند و نیز ضمانت اجرایی مقرر شده است. منتسکیو» در رابطه با امری بودن قوانین استدلال می‌کند که قوانین بشری چون برای افراد مردم وضع شده است باید دارای مقررات تکلیفی باشد و قوانین احتیاجی به پند و اندرز ندارند. قانون همواره با الزام همراه است؛ به عبارت دیگر قواعد حقوقی، گزاره‌های «باید - انگار» ند که گوهر آن‌ها از بایدها و نبایدها برای راهنمایی و عمل رفتاری تشکیل می‌شود.

قاعده حقوقی یعنی قاعده‌ای که توأم با ضمانت اجرا است. الزامی بودن از مشخصات قاعده حقوقی است اما قواعد دیگر هم حالت الزامی دارد در حالی که قاعده حقوقی نیستند. مثل قواعد اخلاقی و قواعد مذهبی که برای پیروان ایجاد تکلیف می‌کند و الزام در معنای وسیع را به همراه دارد؛ اما ضمانت اجرای مادی مثل قاعده حقوقی ندارند. قاعده حقوقی از جانب دولت تضمین شده است. همچنین به نظر «هابز»، حقوقدانان و فیلسوف معروف انگلیسی، حقوق توصیه نیست، فرمان است. هدف قانون این نیست که مفاهیم را تعریف کند. موضوع اصلی حکم قانون، ایجاد الزام و تکلیف در رفتار متقابل اجتماعی است، اوامر و نواهی ویژه‌ای که ضمانت اجرا دارد. قاعده حقوقی دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر می‌باشد؛ زیرا در غیر این صورت در حکم پند و اندرز و موعظه خواهد بود و قاعده حقوقی نیز یا از طریق اعمال مجازات و کیفر است و یا ضمانت اجرای نقض قانون در خود قانون است که مقرر می‌دارد، عمل حقوقی انجام شده با نقض قانون محکوم به بطلان یا عدم نفوذ است. قاعده حقوقی چهار خصیصه دارد، باید الزام‌آور بوده و رعایت آن از طرف دولت تضمین شده و مفاد آن کلی، عمومی و بالاخره هدف آن تنظیم روابط اجتماعی باشد؛ بنابراین قاعده‌ای را که ضمانت اجرایی ندارد نمی‌توان در شمار قواعد حقوقی آورد (عمو شاهی، ۱۳۷۸: ۳۴).

الزام‌آور بودن قانون از ویژگی‌های ذاتی هر قانون به شمار می‌آید. منظور از ویژگی‌های ذاتی قانون، آن دسته از وجوه ممیزه و عناصر مقوم است که بدون وجود آن‌ها اساساً قانون تشکیل نمی‌شود. فرق قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که عدم پیروی از آن، عکس‌العمل دستگاه حکومتی را به دنبال می‌آورد. در حقیقت، پیروی از قانون الزام و اجبار می‌شود و در اعمال هنجارهای یک نظام حقوقی به اقتناع و التزام وجدان، اتکا نمی‌شود. قدرت قوانین کشوری در ترس و وحشتی است که مردم از نیروی سیاسی موجود در پشت قوانین دارند و به تعبیر «ژان ژاک روسو» در صورتی که ضمانت اجرایی وجود نداشته باشد قوانین در میان افراد بشر بی اثر خواهد بود و این به سود اشخاص شریر و به سود افراد عادل خواهد بود. الزام‌آور بودن قانون، مستلزم این معناست که مجریان قانون در

درجه نخست از اجرای آن سرباز نزنند و هوسبازانه به اجرای آن نپردازند و درجه دوم بر اساس قاعده، آن را الزام و اعمال کنند که معنای اخیر، حاکمیت قانون به معنی الاخص نامیده می‌شود و ویژگی الزام‌آور بودن قانون از ویژگی‌های ذاتی آن است به این معنا که شاید نقطه تفاوت قانون و دیگر قواعد اجتماعی تنظیم رفتار و به یک معنا جزء مقوم قانون، الزامی بودن آن است.

بند اول: مفهوم لغوی

در فرهنگ لغت فارسی ضمانت در لغت به معنای تاوان داری، ضامن شدن، بر عهده گرفتن کاری همچنان به معنای زمین‌گیری و اجراء به راندن نیز معنا شده است. هرگاه قانونی نقض شود قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده به کار می‌افتد و عکس‌العمل نشان می‌دهد که این عکس‌العمل را ضمانت اجرا گویند؛ به عبارت دیگر ضمانت اجرا حمایت مراجع رسمی است، در اعمال قانون؛ که ممکن است به صورت کلی و یا جزئی باشد؛ اما باید توجه داشت که برای همه قواعد حقوقی یک نوع ضمانت اجرا وجود ندارد. برخلاف پندار برخی از مؤلفان حقوق، ضمانت اجرا اختصاص به تعقیب قضایی ندارد. علاوه بر این، خود تعقیب قضایی ضمانت اجرا محسوب نمی‌شود، بلکه ابزار ضمانت اجراست و ضمانت اجرا همان قسمتی از قدرت عمومی است که علیه ناقض قانون به کار برده می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم در علم حقوق، بحث ضمانت اجرا همواره یکی از تفاوت‌های هنجارهای اخلاقی و قواعد حقوق است (عمو شاهی، ۱۳۷۸: ۳۴).

در مبسوط نیز آمده است که ضمانت اجرا به معنی حمایت عرف و آداب و رسوم و افکار عمومی در اعمال قانون یا عرف و عادت و اخلاق حسنه که ممکن است به صورت کلی عدم نفوذ و یا جزئی محکومیت کیفری مجرمان باشد. ضمانت اجرا به این معنا است که مجازات یا دیگر مکانیسم‌های اجرایی که نسبت به اطاعت از قانون، قواعد و مقررات ایجاد انگیزه می‌کند و همچنین بخشی از حقوق که به منظور اطمینان از اجرا از طریق وضع مجازات نسبت به نقض یا اعطای پاداش نسبت به رعایت آن‌ها در نظر گرفته شده است؛ بنابراین ضمانت اجرا یعنی قواعدی است که در یک کشور بر افراد و روابط آن‌ها حکمرانی می‌کند. پس هرگاه قانون را یکی از افراد جامعه نقض کند قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده بکار می‌افتد و عکس‌العمل نشان می‌دهد این عکس‌العمل را ضمانت اجرا گویند.

ضمانت اجرای تعهدات غیر از تعهدات است. اگر احتمال اعمال چند ضمانت اجراء برود باید اخف آن به کار بسته شود. مجازات‌ها در حقوق کیفری ضمانت اجراء جرائم هستند اما بطلان، عدم نفوذ و جبران خسارت ضمانت اجراء در حقوق مدنی می‌باشند. در لاتین نیز تحت صورت *internatonal canction* آمده است: این کلمه بر مجازات‌هایی اطلاق می‌شود که توسط یا از سوی و یا به درخواست یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی در برابر یک دولت یا گروهی که تعهدی بین‌المللی را که خود به آن متعهد بوده است، مخصوصاً اگر از متعهد در مورد خودداری از تجاوزهای نظامی باشد اعمال می‌شود. هم چنین تعریف «*sanction*» به این عبارت است که مجازات یا دیگر مکانیسم‌های اجراء که نسبت به اطاعت از حقوق، قواعد و مقررات ایجاد انگیزه می‌کند و هم چنین بخشی از حقوق که به منظور اطمینان از اجرا از طریق دفع مجازات نسبت به نقض یا اعطای پاداش نسبت به رعایت آن‌ها در

نظر گرفته شده است. این تعریف بیشتر در رابطه به ضمانت اجرا در امور کیفری اطلاق دارد (وظیفه آزاد، ۱۳۹۵: ۲۲۷).

با توجه به مطالب گفته شده؛ باید در تعریف ضمانت اجراء میان امور حقوق کیفری قائل به تفکیک شده ضمانت اجرا در امور حقوقی به معنای بطلان و فسخ معامله، اجبار متعهد به انجام تعهد در مورد دیون بوده و تعهدات به صورت جبران خسارت وارده و یا برگشت وضع به حالت اولیه در مورد غصب و تصرف عدوانی می‌باشد. ضمانت اجرا در این برداشت نهادی حقوقی است که به موجب قانون یا قرارداد ایجاد شده و در ابتدا طرفین قرارداد را به پایبندی به مفاد قراردادها وادار می‌کند و در صورت تخلف از آن‌ها خود به خود یا به اراده‌ی طرفی که حق او مورد تجاوز یا انکار قرار گرفته اجرا می‌گردد. برای مثال ضمانت اجرای شرایط صحت عقود، بطلان یا عدم نفوذ یا عدم قابلیت استناد است اما ضمانت اجراء در انواع مختلف قراردادها چهره‌های گوناگون به خود می‌گیرد. در عقود لازم مسئولیت قراردادی حاکم است و الزام و اجبار به انجام تعهد امکان‌پذیر است در عقود جایز نیز مسئولیت قراردادی تا زمان فسخ یا انفساخ به فوت و سفه و جنون حاکم است، در قراردادها نیز مسئولیت قراردادی حاکم است و طرفین وجه التزام نیز می‌توانند قرار دهند. دوم این که ضمانت اجرا در امور کیفری صرفاً قانونی است که برای خودداری از انجام علل مجرمانه پیش‌بینی می‌شود. ناگفته پیداست که ضمانت اجرا در امور کیفری انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و محرومیت‌های اجتماعی است. فرق ضمانت اجرا در امور کیفری با امور حقوقی در این است که در امور حقوقی ضمانت اجراء عمومی برای انجام کار یا عدم انجام کاری است که به موجب قانون یا قرارداد افراد ملزم به رعایت آن هستند؛ اما در مورد امور کیفری قرارداد، طرفین تضمینی ندارند و فقط قانون آن را پیش‌بینی می‌کند و ضمانت اجراء فقط برای عدم انجام فعل مجرمانه پیش‌بینی می‌شود. حال فعل مجرمانه ممکن است انجام فعل باشد یا ترک فعل؛ بنابراین نباید این شایبه به میان آید که ضمانت اجراء باید حتماً جنبه‌ی جزایی داشته باشد. گرچه عده‌ای از علماء حقوق را عقیده بر آن است که ضمانت اجرا عبارت از تنبیه بدنی است که به مناسب نقض یک قاعده‌ی قانونی، اعمال می‌شود (وظیفه آزاد، ۱۳۹۵: ۲۲۷).

حقوقدانان تعاریف مختلفی از ضمانت اجرا ارائه داده‌اند. دکتر قائم مقامی معتقد است: ضمانت اجرا همان قدرت قانونی متعهد له، بر شخص متعهد یا بر دارائی او در فرض تخلف از اجرای تعهد است. البته تعریف فوق فاقد جامعیت می‌باشد زیرا گاهی از طریق استقراء، به ضمانت اجراهایی برخورد می‌کنیم که سلطه بر شخص متعهد یا دارائی او نیست بلکه عدم ترتب، اثر قانونی بر فعل مادی یا فعل حقوقی انجام یافته است، مثل مطالبات و عدم نفوذ در عقود و ایقاعات. تعریف دیگری از لنگرودی، به این صورت است که: "ضمانت اجرا عبارت است از وسیله مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی اعم از امر و نهی جبران زیان، زیان دیده و در جای دیگری ضمانت اجراء را به عکس العمل قانونی تخلف از یک دستور قانونی تعریف می‌کند." تعریف یاد شده علیرغم اینکه مقامی دستورات و احکام قانونی اعم از قاهره و تملیکی را در بر می‌گیرد لیکن تعهدات را متذکر نمی‌شود بلکه قانون صرفاً به آن‌ها اعتبار می‌بخشد پس گاهی نیز عقود ایجاد تعهد می‌کند و برای پشتیبانی از آن قانون مداخله می‌نماید؛ بنابراین به نظر می‌رسد که باید ضمانت اجراء را چنین تعریف نمود. ضمانت اجرا عکس‌العمل قانونی است که عدم رعایت مقررات قانونی یا تعهدات حقوقی در پی خواهد داشت؛ بنابراین ضمانت اجراء، وسیله احقاق



حق و استیفاء حق است و چون ابزار قانونی محسوب می‌شود، حمایت قواعد عمومی را مستقیم یا غیر مستقیم در پی دارد، مثلاً سقوط نفقه زوجه ناشی از عدم تمکین و یا مطالبات عقدی که شرایط مقرر در ماده ۱۹۰ قانون مدنی را رعایت نکرده است ضمانت اجراء از نوع غیرمستقیم هستند. برعکس، صدور اجرائیه و توقیف و فروش اموال بدهکار و الزام به تنظیم سند رسمی، دو نمونه از اجبار مستقیم مادی و حقوقی است. نکته دیگری که در تعریف به چشم می‌خورد، عمومیت آن است زیرا بر اساس آن حتی در تعهدات فاقد ضمانت اجرا نیز رنگی از تضمین به چشم می‌خورد و اینجاست که مرز این‌گونه معاهدات با تعهدات اخلاقی محض جدا می‌شود زیرا این‌گونه تعهدات یا چنانچه پرداخت شوند وارد علم حقوق شده و درخواست استرداد تعهد ایفاء شده ممنوع نیست (صانعی، ۱۳۸۲).

### تنوع قومی و فرهنگی ایران

ایران از زمان ایلامیان یعنی پیش از آمدن آریایی‌ها همواره مسکن اقوام مختلف بوده و در زمان سلسله‌های هخامنشی، سلوکیان، پارتیان، ساسانیان و نیز در دوره اسلامی وضع به همین منوال بوده و امروز نیز چنین است. قومیت پدیده‌ای فرهنگی است هرچند نژاد نیز می‌تواند در مواردی عامل مؤثری به شمار آید. بنابراین فرهنگ عامل گونه‌گونی قومیت در ایران می‌باشد (آموسی، ۱۳۸۴: ۲۲).

در بین عناصر فرهنگی، دو عنصر یعنی زبان و دین بیش از دیگر عناصر در شکل‌گیری و تنوع قومیت در ایران نقش اساسی داشته و دارد. تنوع زبان در ایران از طریق تهاجم و استقرار اقوام با زبان‌های متفاوت و نیز انشعاب در زبان‌ها صورت گرفته است. تنوع دینی نیز با استقرار پیروان ادیان دیگر در ایران، نوآوری دینی و یا پذیرفتن ادیانی که منشأ آن‌ها در خارج از ایران است اتفاق افتاده است. موقعیت جغرافیایی ایران و یورش اقوام کوچ‌نشین با زبان‌ها و ادیان مختلف در طول سه هزار سال گذشته به این سرزمین، منجر به استقلال سه خانواده زبانی آریایی، سامی (عربی، عبری، آسوری) و اورال آلتای (ترکی-مغولی) و نیز ادیانی چون زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام در ایران شده است که این عوامل منشأ تنوع قومی- فرهنگی در ایران بوده‌اند.

هرچند که ورود اقوام با زبان‌ها و ادیان مختلف به ایران در طول سه هزار سال گذشته منجر به گونه‌گونی قومی در این سرزمین شده، ولی با این حال، موج تازه‌ای از عناصر فرهنگ غرب در طول یک قرن گذشته به تدریج جایگزین عناصر فرهنگی جامعه سنتی ایران گردیده و موجب کاهش تفاوت‌ها و گسترش همانندی بین اقوام شده است. این موج در شکل‌گیری فرهنگ نوین متشکل از عناصر فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی، نقش اساسی را ایفا کرده است. عناصر تمدن غرب به دلیل پیشرفت در علوم و فنون، نظام سیاسی و جنبه‌های دیگر، در مقایسه با فرهنگ‌ها و یا تمدن‌های سنتی، از کارایی بسیار بالایی برخوردارند و از این جهت، دیگر فرهنگ‌ها و یا تمدن‌ها را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است (احمدلو، ۱۳۸۱).

با آنکه مردم ایران به علت تنوع زبان، دین و دیگر عناصر فرهنگی به گروه‌ها و اقوام گونه‌گونی تقسیم می‌شوند، با این ترکیبات قومی بر خلاف کشورهای چند قومیتی چون هند، آمریکا، روسیه، چین و غیره، بر اساس اکثریت- اقلیت نیست. هیچ قومی در ایران اکثریت را تشکیل نمی‌دهد و هیچ قوم و یا گروهی در ایران بیشترین قسمت اراضی ایران را در اختیار ندارد؛ بنابراین در ایران اکثریت حاکم وجود ندارد که بر اقوام دیگر سلطه پیدا کرده باشد.

با توجه به چنین وضعی و نیز با عنایت به این واقعیت که بیش از ۹۰ درصد از مردم ایران مسلمان هستند و بالاخره دارای تاریخ مشترک ملی، زبان، ادبیات و سنن ملی می‌باشند، این عوامل مایه همبستگی و پیوستگی بین مردم و اقوام در ایران به شمار می‌رود. اقوام در ایران رابطه مسالمت‌آمیزی دارند و بقای مردم ایران نیز صرف‌نظر از هویت قومی آن‌ها در گرو همین همبستگی ملی است. در این فصل از مقاله به معرفی تنوع قومی و فرهنگی ایران می‌پردازیم.

### تنوع قومی در ایران

اگر چه سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ نظریه‌پردازانی همچون ارنست گلنر و اریک هابساوم به مهم‌ترین نظریه‌پردازان بحث‌های ملیت و قوم‌گرایی تبدیل شدند، اما بدون تردید آنتونی دی اسمیت که برجسته‌ترین نظریه‌پرداز مسائل ملیت، قومیت و قوم‌گرایی معاصر به شمار می‌رود، از پرکارترین پژوهشگران این عرصه بوده و هنوز نیز به عنوان برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه می‌باشد.

دی اسمیت در کتاب ریشه قومی ملت‌ها بیان می‌دارد که تاریخ بشر نشانگر این است که پدیده ملت در برخی جوامع، پدیده‌ای بسیار کهن‌تر از عصر پیدایش ناسیونالیسم بوده است. او در کتاب خود به معرفی ملت‌های کهن و باستانی پرداخته و ایران را در کنار تمدن‌های باستانی کهن همچون مصر، هند و چین مورد بررسی قرار می‌دهد و از تصاویر تخت جمشید بر روی جلد کتاب خود بهره گرفت (احمدی طامه، ۱۳۸۷). رو دی اسمیت واژه قوم یا طایفه را در مورد گروه‌های عمده‌ی زبانی یا عشایر به کار می‌برد. البته در ایران امروز واژه‌های دیگری که برای تشخیص گروه‌های مختلف به کار می‌رود عبارت‌اند از: طبقه، گروه و جماعت که تقریباً معادل طبقه و گروه اجتماعی و جامعه است. طبقه به خصوص در بین جمعیت شهری کاربرد جا افتاده‌ای دارد و پیوندهایی چون نشین مانند شهرنشین، ده نشین، تات نشین، چادرنشین و کوچ نشین و زبان برای طبقه‌بندی مردم به صورت کلی بر اساس نحوه‌ی سکونت و تکلم به کار می‌رود.

لازم به ذکر است که میان محققان علوم اجتماعی نگرش یکپارچه‌ای نسبت به قومیت و گروه‌های قومی وجود ندارد و همه بر سر ملاک‌های تعیین‌کننده‌ی قومیت و گروه‌های قومی توافق ندارند. از نظر برخی محققان نژاد ملاک معتبر برای گروه قومی است و از نظر دیگران، مذهب یا زبان، به نظر می‌رسد که تعریف گروه قومی بیشتر به سلیقه و نگرش محقق بستگی دارد تا وجود ملاک‌های قابل قبول برای همه.

هویت قومی با ملاک هم‌زبانی در ایران دارای ابهاماتی است. در ایران معاصر نام قبایل و یا گروه‌های زبانی بیشتر نام مناطق را تداعی می‌کند... ساکنین آذربایجان، بلوچستان، کردستان، لرستان به زبان‌هایی تکلم می‌کنند که به همین اسامی خوانده می‌شوند. بختیاری، ممسنی، بویراحمد، قراداغ و غیره مناطقی هستند که ساکنین آن‌ها ممکن است به قبایلی که دارای این اسامی هستند، متعلق نباشد. اسامی چون کرد، لر، شاهسون، عرب و بلوچ که ظاهراً بیانگر هویت زبانی یا قبیله‌ای هستند به مفهوم متفاوتی رایج می‌باشند که نشان‌دهنده‌ی عشایر چادرنشین بوده و هیچ محتوای قومی ندارند. عناوین ظاهراً زبانی دیگر در عمل بیانگر وابستگی قومی در نظر گرفته نمی‌شود به عنوان مثال در فارس به تمامی اعضای اتحادیه قشقایی که بسیاری از آنان لری تکلم می‌کنند، ترک گفته می‌شود، در حالی که

همسایه و رقیب آن‌ها یعنی ایل خمسه که اغلب ترک یا فارس زبان هستند، عرب خوانده می‌شوند؛ بنابراین می‌توان گفت که سازمان و ساختار اجتماعی بیشتر پیرامون مرزهای ایل تشکیل می‌شود تا پیرامون مرزهای مذهبی یا زبانی. تاریخ گذشته ایران نشان داده است که در میان ایلات از یک گروه زبانی نظیر بلوچ‌ها، کرد‌ها، آذری‌ها و... اختلافات عمیقی وجود داشته و این اختلافات گاه به برخوردها و ستیزهای خونین میان طوایف مختلف درون یک گروه مذهبی یا زبانی منجر می‌شده است (احمدی، ۱۳۸۴).

با توجه به این واقعیات تاریخی نمی‌توان نظر محققان قوم‌شناسی را که معتقدند گروه‌های مذهبی و زبانی به دلیل اتحاد و انسجام و یکپارچه بودنشان، دارای ویژگی گروه‌های قومی هستند پذیرفت، چرا که سازماندهی اجتماعی - اقتصادی برای ایلات و عشایر در درون گروه‌های مذهبی و زبانی فوق‌الذکر مانع انجام اتحاد و یکپارچگی آن‌ها بوده است؛ مانند اختلافات میان ایلات کرد نظیر شکاک، اردلان، سنجابی، کلهر و یا میان ایلات بلوچ نظیر برک زایی، شه بخش، ریگی، یارمحمدزایی، در سال‌های قبل مانع هرگونه یکپارچگی و انسجام میان آن‌ها بوده است؛ بنابراین این واقعیات تاریخی نظر بسیاری از جامعه‌شناسان و قوم‌شناسان را به چالش می‌کشاند.

تاریخ ایران از روزگاران باستان تاکنون همیشه پیوند ناگسستنی با سرزمینی داشته است که در متون کهن مذهبی اوستایی از آن با عنوان ایرانویج، ائیرانویجه و بعدها ایران‌زمین یاد می‌شده است. در واقع براساس آثار تاریخی و اسطوره‌های ایران، تاریخ کشور همیشه با تلاش به‌منظور حفظ مرزهای ایرانویجه و ایران‌زمین در دوره باستانی و تا امروز همراه بوده است. مفهوم مرز و حفاظت از آن که تعیین‌کننده چارچوب‌های جغرافیای سرزمین ایران بوده است، از دوره اساطیری تا دوران معاصر در کانون توجه دولت‌های ایرانی قرار داشته است. از اینجاست که هویت ملی ایرانی با جغرافیا و سرزمین پیوند می‌خورد. سرزمین ایران یا ایران‌زمین کانون مشترک زیست همه ایرانیان برخوردار از ادیان و ساختاربندهای اجتماعی گوناگون بوده است. همین عنصر سرزمینی است که اساس و بنیان مفهوم «وطن» را در ادبیات فارسی به وجود آورده است. مفهوم «کشور» که معنای گسترده‌تری از وطن دارد و علاوه بر پیوندهای عاطفی، پیوندهای سیاسی ایرانیان را با سرزمین خود مشخص می‌کند، از دوره باستان به بعد برای ایرانیان پیام‌آور محدوده‌های جغرافیایی و مرزهای ایران بوده است (اکوانی، ۱۳۸۷).

ایران در واقع خود یک مفهوم سرزمینی نیز هست و به همین جهت واژه «ایران‌زمین» مشخص‌کننده محدوده‌های سرزمینی آن است. برخلاف برخی دیدگاه‌های پست‌مدرن یا نگاه‌های ایدئولوژیک قوم‌گرایانه، ایران به‌مثابه یک مفهوم جغرافیایی و یا به مفهوم «کشور»، مخلوق دوران مدرن نیست، بلکه از دیربگام یک پدیده «سرزمینی» را تداعی کرده است. جرار دنیولی، برجسته‌ترین پژوهشگر ایران‌شناس نیمه دوم قرن بیستم، در اثر برجسته خود به نام ایده ایران نشان می‌دهد که چگونه «ایران» به‌مثابه یک مفهوم قومی از دوران هخامنشیان و به‌مثابه یک مفهوم هویتی سرزمینی از اواسط دوران اشکانی برای ایرانیان معنا پیدا کرد و با ظهور دودمان ساسانی رسمیت یافت. بسیاری از شعرا و نویسندگان ایرانی پس از اسلام همین مفهوم سرزمینی را در قالب اشعار حماسی به ایرانیان زمان خود منتقل کردند و همچون فردوسی در بیت‌های چو ایران مباد تن من مباد... مفهوم جغرافیایی هویت ایرانی را با موجودیت ایرانیان یکسان دانستند.

ایران در طول سه هزار سال گذشته همواره شاهد یورش و تاخت‌وتاز اقوام گونه‌گون و استقرار آن‌ها در این سرزمین بوده است. مهم‌ترین پیامد این یورش‌ها آن است که تمام زبان‌ها، گویش‌ها، ادیان و مذاهب کنونی در ایران غیر بومی‌اند که به وسیله اقوام غیر بومی به این سرزمین راه یافته‌اند. لازم است ابتدا خاستگاه زبان‌ها و ادیان را پیش از ورود به ایران مشخص کرده و سپس چگونگی راه یافتن آن‌ها به ایران را بررسی کنیم. بر اساس نظر بسیاری از قوم‌شناسانی که ساختار جامعه ایرانی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بیان کرده‌اند که خاستگاه دو خانواده زبانی آریایی و اورال-آلتای در شرق ایران یعنی آسیای میانه بوده است؛ اما زبان‌های وابسته به خانواده زبان سامی (عبری، مندایی، عربی و آسوری) از خاورمیانه به ویژه در شبه جزیره عربستان، فلسطین و عراق برخاسته‌اند. زبان‌های سامی و غیر سامی به استثنای عبری، مندایی و آسوری، از طریق تهاجم به ایران راه یافته‌اند (امیدیان، ۱۳۸۴).

در مورد ادیان نیز وضع به همین منوال است. چنان‌که دین مزدایی از آسیای میانه به وسیله قبایل کوچ‌نشین آریایی و یا دین اسلام از طریق شبه جزیره عربستان توسط قبایل عرب در ایران مستقر گردیدند. دین یهود، مندایی و مسیحی که همواره در اقلیت بوده‌اند از این وضعیت مستثنی می‌باشند. حال به این پرسش که چگونه و چرا زبان‌ها و ادیان یادشده به ایران وارد شده‌اند، می‌پردازیم. در بررسی تاریخ پرفراز و نشیب ایران متوجه این واقعیت می‌شویم که این سرزمین از سه هزار سال پیش به این سو، دست‌کم پنج بار به شرح زیر مورد تهاجم قرار گرفته است:

- ۱- مهاجرت و تهاجم مادها و پارس‌ها در هزاره اول پیش از میلاد که منجر به استقرار زبان‌های آریایی، دین زرتشت و دیگر عناصر فرهنگی چون نوروز و آداب و رسوم ایرانی گردیده است.
۱. یورش یونانیان در قرن چهارم پیش از میلاد که زبان، دین و فرهنگ آن‌ها پایدار نمانده است.
۲. یورش اعراب مسلمان در ابتدای قرن اول هجری که با تسخیر ایران و جایگزینی اسلام به جای دین زرتشت، تغییرات زیادی در تمام زمینه‌ها صورت گرفت. در واقع استقرار اسلام در ایران باعث تلفیق بعضی از آداب و رسوم و شکل‌گیری فرهنگی متفاوت از فرهنگ سنتی ایرانی شده است.
۳. یورش ترکان سلجوقی در قرن پنجم هجری و بعداً تهاجم تیمور لنگ و در نهایت استقرار ترکان در ایران، باعث استقرار و گسترش زبان ترکی در ایران شده است.
۴. یورش قوم مغول در قرن هفتم هجری سبب ویرانی ایران شد، اما چون مغولان نسبت به ادیان دیگر بی‌تفاوت بودند، هیچ‌گونه اقدامی در تحمیل اعتقادات دینی خود در سرزمین‌های تسخیر شده به عمل نیاوردند، به استثنای بعضی از واژه‌های مغولی، آثاری از زبان، دین و آداب و رسوم مغولی باقی نمانده است؛ بنابراین مغولان نقشی در تنوع قومی - فرهنگی در ایران نداشته‌اند اما ویژگی‌های نژادی آنان در گوشه و کنار دیده می‌شود. بازماندگان قوم مغول اکنون به زبان غیر مغولی صحبت می‌کنند و مسلمان می‌باشند؛ اما نکته اساسی درباره یورش‌های یادشده آن است که به استثنای یورش یونانیان سایر یورش‌ها به وسیله اقوام کوچ‌نشین صورت گرفته‌اند (اوزکریملی، ۱۳۸۳).

بدون تردید کوچ‌نشینان مهم‌ترین نقش را در گونه‌گونی قومی - فرهنگی در طول سه هزار سال گذشته در ایران ایفا کرده‌اند. کوچ‌نشینان عامل پراکندگی زبان‌ها، گویش‌ها و ادیان بوده‌اند. برای مثال، کشور کنونی ترکیه تا پیش از استقرار قبایل ترک کوچ‌نشین، دارای فرهنگ غربی بوده و مردم آن عیسوی بودند. اما ترک‌ها به تدریج زبان، دین، آداب و رسوم آن دیار را تغییر دادند به طوری که اکنون نه تنها نام امپراتوری بیزانس به ترکیه تبدیل شد. بلکه زبان ترکی جایگزین زبان‌های یونانی و لاتین گردید و اسلام نیز جای مسیحیت را گرفته است.

همان‌گونه که گفته شد، ترکیب نژاد و اقوام در ایران یکپارچه نیست و تنوع جمعیتی که قرن‌ها در اثر اختلاط نژادها و مهاجرت‌ها به وجود آمده است موجب پیدایش اقوام فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ، بختیاری، تالشی، ترکمن، قشقایی، شاهسون و عرب شده است. البته اقلیت‌های قومی و گروه‌های نژادی کوچک‌تری نیز در ایران زندگی می‌کنند.

### ضمانت اجرای حقوق کيفری گردشگران در ایران

جهانگردان یکی از مصادیق اتباع بیگانه از نظر قانونی دانسته شده‌اند. در تمام سیستم‌های حقوقی برای آنان حقوق و تکالیفی در نظر گرفته‌اند؛ اما این حقوق و تکالیف در سرزمین‌های گوناگون متفاوت می‌بخشد. ماده ۵ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد و اصل ۲۲ قانون اساسی ایران مقرر داشته است: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. منظور از اشخاص اعم از ایرانی و خارجی است. اصل سرزمینی بودن قوانین خصوصاً قوانین جزایی مورد پذیرش تمام کشورها قرار گرفته است؛ بنابراین تمام کسانی که در ایران زندگی می‌کنند حتی به طور موقت باید از قوانین و مقررات ایران تبعیت نمایند. از سویی ما اصل قانونی بودن جرم و مجازات را هم در سیستم حقوقی خودمان پذیرفته‌ایم. بیگانه‌ای که از قوانین ایران بااطلاع نمی‌باشد تا چه حدی قوانین ما می‌تواند بر بیگانگان (جهانگردان خارجی) حاکمیت داشته باشد؟ با توجه به اختلاف نظرهای شدید میان سیستم‌های حقوقی در برخی از مصادیق از این که جرم است یا خیر، این از وظایف کشور میزبان است تا قبل از ورود جهانگرد مجموعه‌ای از راهنما و مقررات لازم را در اختیار گردشگر قرار دهد. پس باید در بازنگری قوانین سابق و وضع مقررات جدید به طور متعادل رفتار کرد تا هم موجبات جلب جهانگردان را فراهم بیاوریم و هم از نظم عمومی و میراث فرهنگی خودمان حفظ و حراست نماییم. برای این امر باید ببینیم مقررات ایران راجع به جهانگردی تا چه اندازه با اعلامیه‌های حقوق بشر تطابق و تعارض دارد (اسدزاده و خلیلی، ۱۳۹۲).

### ابعاد مهم گردشگری

احترام به بیگانه و وضع مقررات مناسب آنان از زمان‌های قدیم مورد توجه بوده است در رم باستان ما قانون اقوام را سراغ داریم که به تنظیم روابط بین شهروندان و خارجیان می‌پرداخت. گردشگری دارای ابعاد مهمی است که ما باید در وضع قوانین جدید لحاظ کنیم:

الف: بعد اقتصادی - ورود و اقامت جهانگردان باعث ورود ارز و تقویت مالی و اقتصادی کشورمان خواهد بود و هر چه ما در این زمینه فعال‌تر باشیم و جاذبه‌های بیشتری را ایجاد نماییم موجب ورود بیشتر گردشگران می‌شویم آنان با خود ممکن است طرح‌ها و ایده‌های مناسبی داشته باشند و یا مشتریان خوبی برای کالاهای ما باشند و یا حتی قصد مشارکت با تاجران ما را داشته باشند؛ که البته کارشناسان فن بهتر می‌توانند در این امر به بررسی بپردازند(خالقی، ۱۳۹۲).

ب - بعد فرهنگی: ورود اتباع خارجی به ایران موجب تبادل فرهنگی میان ایرانیان و بیگانگان است یعنی آنان با آداب و رسوم و سنن ایرانی آشنا می‌شوند و نکات مثبت و منفی فرهنگ و تمدن ایرانی را به سرتاسر جهان می‌رسانند. پس هر چه رابطه مناسبی با آنان داشته باشیم و بتوانیم میزبان خوبی باشیم و مسائل امنیتی را در حفظ و حمایت از گردشگران رعایت نماییم، این رفتار می‌تواند پیامدهای بسیار ارزنده‌ای داشته باشد.

ج - بعد سیاسی: وقتی دولت و حاکمیت ما با وضع قوانین شایسته و متعادل، چهره‌ای منطقی‌تر از خود به نمایش بگذارد و رفتارهایی که در شان یک حاکمیت است از خود نشان دهد و انزجارش را از تروریسم اعلام دارد و با اکثر دولت‌های منطقی دنیا در ارتباط باشد و حتی بدون ملاحظه مواضع سیاسی دولت‌های اتباع خارجی جهت رفاه حال جهانگردان بیگانه اقدامات درخور آنان را فراهم آورد و حسن نیت خود را عملاً ابراز دارد، می‌تواند با هزینه‌ای اندک اذهان جهانیان را به جانب ایران متوجه سازد تا از ایران چهره‌ای روشن و شایسته در ذهن داشته باشند و در این صورت هرگونه برچسب‌های اتهام‌آمیز خود به خود از بین می‌رود(خالقی، ۱۳۹۲).

### سیاست اسلامی و صنعت گردشگری

در قرآن کریم آیه‌ای تحت عنوان قاعده نفی سبیل داریم: *لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا* بنا بر این قاعده مسلمین باید جهت تسلط و ترویج فرهنگ اسلامی و رشد خود در تمامی زمینه‌ها از هر فرصتی استفاده کنند شاید در برخی از زمان‌ها و مکان‌ها بشود از راه‌های غیرمستقیم این هدف را تعقیب کرد. پس یکی از این راه‌ها توجه به صنعت گردشگری است. باید در تدوین قوانین اوضاع و احوال را سنجدید. باید به ارتباط فکر کرد نه به جدایی و برتری طلبی. اگر به‌طور منطقی و متعادل قوانین و مقررات خود را وضع نماییم و از احساسات و موضع‌گیری‌های عجولانه پرهیزیم می‌توانیم بیشتر و بهتر با دیگران وحدت داشته باشیم و دوستان بیشتری را هم به دست می‌آوریم. پس با رعایت تمامی جوانب می‌شود منافع ملی را در پناه مقررات مناسب حفظ کرد و در واقع با یک تیر چندین نشانه را به هدف گرفت. ایران اسلامی در رقابت با کشورهای جهان مجبور است امتیازهایی را بدهد تا از این رقابت که سال‌ها عقب مانده است عقب‌تر نماند و بتواند راه توسعه این رشته را هموار نماید(شریعتی، ۱۳۸۱).

### نظم عمومی و اخلاق حسنه

هرچند هر یک از مفاهیم فوق در نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده‌اند، لکن هنوز در تعریف و تعیین حدود و ثغور آن وحدت نظر ندارند. نظم عمومی در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متغیر بوده است و خواهد بود. در هر صورت دو نظریه مهم درباره نظم عمومی وجود دارد: الف - نظریه نوعی: طبق این نظریه نظم عمومی نظمی است که در اجتماع به حسب اقتضای طبیعت زندگانی جمعی وجود دارد. حقوق آن را به وجود نیاورده است بلکه مقررات

حقوقی ضامن حفظ آن است. ب - نظریه شخصی: طبق این نظریه نظم عمومی نظم است که اعتباری که در اثر قواعد و مقررات حقوقی در اجتماع به وجود آمده است و با تحول مقررات حقوقی تغییر می‌کند. در هر حال مبنای نظم عمومی مصالح جامعه است؛ اما بهترین منابع نظم عمومی را موارد زیر دانسته‌اند. قانون، قراردادهای بین‌المللی، رویه قضایی، عرف و عادت و اخلاق حسنه و در قوانین مختلف، قوانین پلیسی، جزایی، اداری، سیاسی و مالیاتی نیز مربوط به نظم عمومی دانسته‌اند. نظم عمومی به دودسته نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین‌المللی تقسیم شده است. اخلاق حسنه هم از مصادیق نظم عمومی است. در نظام حقوقی ایران دو دسته قوانین وجود دارد: یکی درون مرزی و دیگری برون مرزی است. قوانین درون مرزی بر تمام سکنه ایران طبق ماده ۵ قانون مدنی و ماده سه قانون مجازات اسلامی حاکمیت دارد یعنی هر بیگانه‌ای که به خاک ما وارد می‌شود ملزم است تا به رفتاری طبق نظم عمومی ایران داشته باشد و قوانین ما یکی از منابع مهم نظم عمومی ماست. این اصلی جهانی و پذیرفته شده است که هر خارجی به قوانین و مقررات کشور میزبان احترام گذارد؛ اما چه ملاک‌هایی معتبر درباره حدود نظم عمومی می‌تواند مطرح باشد؟ (شریعتی، ۱۳۸۱).

#### اصل رفتار متقابل

رفتار متقابل به سه صورت جلوه‌گر می‌شود: الف - رفتار متقابل سیاسی ب - رفتار متقابل قانون‌گذاری ج - رفتار متقابل عملی. پذیرش و رعایت این اصل یک تکلیف نیست پس دولت ایران به فراخور ظرفیت و مصالح خودش می‌تواند این اصل را مورد توجه قرار دهد. البته ما در پی جلب توریست هستیم و باید از رفتاری که موجب از دست دادن این فرصت شود پرهیز نماییم. دولت ایران نباید به نوع رفتار دول بیگانه با اتباع ایرانی توجه داشته باشد و در پی انتقام برآید بلکه به‌طور منطقی سیاست مناسبی را اتخاذ کند. هرچند در برخی موضوع‌ها لازم است که رفتار متقابل دول بیگانه مورد توجه قرار گیرد (شریعتی، ۱۳۸۱).

#### عناصر مهم در وضع قوانین

در هر کشوری برای وضع قوانین به عناصر خاصی توجه دارند که از میان آن‌ها می‌شود به اوضاع و احوال زمان و مکان، آداب و رسوم و عرف حاکم، مذهب و دین مورد اتباع اکثریت اشاره کرد. (۵) الف - اوضاع و احوال موجود: اغلب قوانین برحسب نیاز و رفع حاجت وضع می‌شوند به‌گونه‌ای که بتواند پاسخ مناسبی برای هر مسئله باشند. به‌عنوان مثال ما در زمینه محصولات بیوتکنولوژی قانونی نداریم برای این امر مجبوریم دست به اقدامات لازم بزنیم و قانون قبلی را تغییر دهیم برای این که از دیگر کشورها عقب نمانیم. ب - عرف و آداب و رسوم حاکم: عرف در هر جامعه نفوذ دارد و سنت‌های موجود نیز به سمت جلو در حرکت‌اند. مردم در هر کشوری آن‌قدر به آداب و رسوم خود وابسته‌اند که نمی‌شود به آسانی آن‌ها را از عرف و سنت‌هایشان جدا کرد. پس قانون‌گذار هم در راستای همین باور جمعی پیش می‌رود و قانون مناسب را وضع می‌کند. البته باید به تقسیمات و مصادیق گوناگون عرف توجه داشت. ج - دین و مذهب: در برخی از کشورها دین نقش زیادی در وضع قوانین دارد مانند ایران قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی بسیار واضح این موضوع را نشان می‌دهد و یا قانون اساسی ما هم روی این امر تأکید دارد در همه کشورها دین تأثیر خود را دارد اما این تأثیر متفاوت است. در اغلب کشورهای دنیا مقرراتی را در مورد

جهانگردان وضع کرده‌اند که از حیث ورود و اقامت مشکلی نداشته باشند و آسان‌تر این کار صورت گیرد و حتی در بعضی از کشورها جهانگردان از جهت ارزی دارای امتیازاتی هستند (بهرام پور، ۱۳۹۱).

### قوانین مرتبط با جهانگردی

قوانین جهانگردی، قانون بنیادی این صنعت را دربردارد. معمولاً، این قانون سیاست توسعه جهانگردی را ارائه می‌کند و وظایف، ساختار و منابع تأمین مالی سازمان ملی جهانگردی (با دفتر منطقه‌ای جهانگردی) را تعیین می‌کند. به‌علاوه مقررات ویژه متعددی لازم است. این مقررات به استانداردها، شرایط صدور مجوز و روش‌های بازرسی هتل‌ها، رستوران‌های جهانگردی، آژانس‌های مسافرتی، راهنماهای تورها و دیگر اقدامات جهانگردی مرتبط می‌شود. در برخی کشورها، نظام طبقه‌بندی هتل‌ها به وجود آمده و اعمال آن ضروری است. این مقررات براساس درک نیازهای کشور و یا منطقه تهیه می‌شوند. سازوکارهای لازم و قابلیت‌های کارمندان برای اعمال مقررات با شالوده‌ای دائمی باید موجود باشند. روش‌های اعمال استانداردهای این صنعت باید در مقررات بیان شده باشند (ارفع نیا، ۱۳۷۰: ۲۳۳).

بعضی قوانین و مقررات مشخص برای توسعه و مدیریت جهانگردی حائز اهمیت هستند. نیاز به منطقه بندی مقررات برای تعیین مناطق جهانگردی منطقه‌ای و کنترل کاربری زمین و اعمال استانداردهای توسعه در مناطق خاص توسعه جهانگردی وجود دارد. اگر منطقه بندی مقررات در حال حاضر وجود دارد ممکن است ضروری باشد که آن‌ها را به نحوی اصلاح کرد تا کاربری‌های زمین از نوع جهانگردی از قبیل مناطق هتلی را دربرگیرد. وضع قوانین حفظ محیط‌زیست، از جمله شرایط ارزیابی تأثیر محیطی (محیط‌زیست) ضروری خواهد بود (چنانچه این مقررات موجود نباشند). ضوابط عمومی تندرستی، بهداشت، ایمنی و آتش‌سوزی و ضوابط ساختمان‌سازی، سهولت مقررات عملیاتی، قوانین تعهدات مربوط به مهمانان و متعلقات آن، قوانین کارگیری و مالیاتی همگی برای توسعه و کار تسهیلات جهانگردی مهم هستند. مقررات مربوط به تسهیلات و خدمات حمل‌ونقل (کنترل نرخ حمل‌ونقل، دادن مجوز به افراد و شرکت‌های حمل‌ونقل، شرایط ایمنی و مسیرهای مسافرتی) نیز عملیات جهانگردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ارفع نیا، ۱۳۷۰: ۲۳۳). در بسیاری از کشورها، توسعه جهانگردی مبتنی بر مناطق دیدنی، پارک‌های طبیعی و مکان‌های باستانی و تاریخی است. قوانین پارک‌ها و حفظ آن‌ها برای نگهداری این منابع بسیار مهم هستند. مناطق حفاظت‌شده از نظر قانونی باید مشخص و نقشه‌کشی شوند و کاربری زمین و بازدیدکننده باید به دقت نظارت شود. قوانین محافظت از مصرف‌کننده جهانگرد در بسیاری از کشورها در حال تصویب شدن است. این قوانین برای محافظت از جهانگردان طراحی شده‌اند تا مؤسسات جهانگردی فاقد مدیریت و اصول اخلاقی از آن‌ها سوءاستفاده نکنند.

### سابقه قانونی گردشگری در قوانین ایران

اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در این اصل اشخاص تبعه داخله و خارجه هر دو را شامل می‌شود و اهمیت حفظ و حمایت از جان و مال و مسکن اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد و به امنیت آنان نیز توجه خاصی دارد. در



قانون اساسی سابق هم این اصل مهم بوده است. به جز قانون اساسی، قانون گذرنامه مصوب اسفند ۵۱، قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۳۶ و اصلاح و الحاق چند ماده و تبصره آن مصوب ۵۰ و آیین نامه اجرایی مربوط به آن که به چگونگی اعطای گذرنامه های سیاسی خدمتی یا عادی و برگ لسه پاسه (برگ عبور) از طریق نیروی انتظامی و وزارت خارجه اشاره دارد. البته بررسی این مواد و مقررات لازم است و باید خلاءهای قانونی و یا نقص آن ها برطرف گردد (ارفع نیا، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

قانون گذار باید دقیق باشد تا با وضع قوانین دست و پا گیر مشکلاتی را به وجود نیارد یا سخت گیری های بی موردی را ایجاد نکند. قانون باید از حیث استدلال های حقوقی و منطقی مناسب باشد تا موجب راحتی را فراهم بیاورد. به گونه ای که گردشگران آن قانون را در جهت حمایت خود بدانند و تلقی نمایند. آیا گردشگری در ایران از پشتوانه های قانونی برخوردار است؟ (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

در حالی که توسعه صادرات غیرنفتی یکی از هدف های اساسی کشور محسوب می شود، صنعت گردشگری که می تواند خدمت بزرگی برای رسیدن به این هدف بکند مهجور مانده و مورد توجه قرار نمی گیرد. کافی است که ظرفیت های کشور ایران در این حوزه را با دیگر کشورها مقایسه کنیم و سپس نگاهی به آمار مربوط به ورود گردشگر به کشورمان و درآمدهای حاصل از آن بیندازیم تا متوجه شویم که این بخش از اقتصاد ایران به کلی نادیده گرفته شده است. در ادامه با نگاهی به قوانین و مقررات مرتبط به ساز و کار مقررات گردشگری در ایران می اندازیم. گردشگر میهمانی دست کم ۲۴ ساعت در کشورمان است. این میهمان در مرحله نخست طبق قوانین لازم است که ارج نهاده شود و قواعد میزبانی برایش رعایت شود، دوم این که لازم است تا تسهیلات لازم قانونی برای زیاد شدن این میهمانان که در اصطلاح حبیب خدا هستند، برقرار شود؛ سوم این که مراکز خصوصی برای رسیدگی به این امر و البته استفاده بیشتر از مزایای اقتصادی توسط وزارت خانه های فرهنگ و ارشاد و مسکن سامان یابند. چهارم این که سازمان دولتی متولی این امر باید بیشتر به گردشگران برسد. همچنین ایران به عنوان کشوری سابقه دار در نهاد بین المللی گردشگری باید از ظرفیت های موجود این سازمان به نحو مطلوب استفاده کند (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

### قانون توسعه ایران گردی و جهانگردی

قانون توسعه ایران گردی و جهانگردی با توجه به عنوان و فلسفه تصویب خود از دو روش برای توسعه این صنعت استفاده کرده است. اولین روش مهمان نوازی است؛ بنابراین تسهیلاتی را به منظور رعایت حال گردشگران منظور داشته است. ماده ۳ می گوید: «هر جهانگرد خارجی که از کشور خارج می شود می تواند بر اساس تسهیلات مقرر در این قانون علاوه بر لوازم شخصی متعارف خود حداکثر تا میزانی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می شود، صنایع دستی یا محصولات مجاز کشور و کتاب و مطبوعات را با حفظ جنبه غیر تجارتي آن از کشور خارج کند». گمرک ایران هم مطابق ماده ۴ باید تسهیلات ویژه گردشگران خارجی را در مبادی ورودی و خروجی رعایت کند- (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

### توسعه گردشگری در قانون

قانون توسعه گردشگری و ایران گردی روش دیگری را نیز برای توسعه این صنعت در این قانون در پیش گرفته

است. این قانون اولاً وظیفه‌ای را برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی در زمینه توسعه گردشگری بر عهده بانک‌ها گزارده و مقرر داشته تسهیلات بانکی را به نرخ صنعتی تأمین و پرداخت کند. از سوی دیگر سازمان زمین شهری، شهرداری‌ها، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و سایر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های ذی ربط را موظف کرده است زمین مورد نیاز برای احداث تأسیسات ایران‌گردی و جهانگردی را با معرفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به قیمت منطقه‌ای یا تمام‌شده به گونه‌ای که موجب تقلیل درآمد عمومی نشود به متقاضیان واگذار کنند. نکته اینجاست که تغییر کاربری تأسیسات ایران‌گردی و جهانگردی بدون موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هر وضعیتی ممنوع است و در صورت موافقت، تمامی تخفیف‌ها و تسهیلات و معافیت‌های داده شده برای تأسیسات مزبور ملغی و بایستی عین یا معادل آن به قیمت کارشناسی روز به دولت پرداخت شود.

### مرجع صدور مجوز برای مراکز گردشگری

صدور یا تمدید هرگونه مجوز تأسیس و ایجاد دفاتر خدمات سیاحتی و زیارتی و تأسیسات ایران‌گردی و جهانگردی و نیز تعلیق یا لغو آن به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. تمامی دفاتر خدمات سیاحتی، زیارتی و تأسیسات ایران‌گردی و جهانگردی متعلق به بخش دولتی، خصوصی و نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی موظف به رعایت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ابلاغی مربوط به ایران‌گردی و جهانگردی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

با وجود این، تبصره ماده ۷ قانون می‌گوید: «مرجع صدور تمدید، تعلیق یا لغو مجوز تأسیس دفاتر خدمات مسافرتی وزارت راه و ترابری است.» میزان وجوهی که بابت صدور یا تمدید مجوزهای موضوع این قانون اخذ می‌شوند به پیشنهاد جداگانه وزارت خانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و راه و ترابری و تصویب شورای عالی ایران‌گردی و جهانگردی تعیین خواهد شد.

### تفکیک اختیارات بین «گردشگری» و «میراث فرهنگی»

هر چند می‌توان سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر مسایل گردشگری در کشور را شورای عالی ایران‌گردی و جهانگردی دانست اما متولی اصلی این امر در کشور ما سازمان میراث فرهنگی و گردشگری است؛ سازمانی که با عنوان میراث فرهنگی شناخته می‌شود. متن اساسنامه این قانون نیز این را اثبات می‌کند که این سازمان انصاف را مابین دو وظیفه عمده خود رعایت نکرده و در بین وظایف این سازمان که در ماده ۳ به آن‌ها اشاره شده است، از ۲۴ مورد فقط یک مورد را به طور صراحت به گردشگری اختصاص داده و در بند ۲۳ آورده است: همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه امور ایران‌گردی و جهانگردی. هر چند در سال‌های اخیر اخبار فراوانی از جدیت این سازمان برای رفع محدودیت اختیارات «گردشگری» به «میراث فرهنگی» شنیده شده که عملاً باید نتیجه این تلاش‌ها برای مردم قابل رؤیت باشد (الماسی، ۱۳۸۹: ۲۷۸).

### حقوق و تکالیف جهانگردان

کشورهای مختلف برای تعیین صلاحیت قضایی خود از روش‌های گوناگونی بهره می‌گیرند. برخی از یک سیستم و برخی دیگر از تلفیق چند سیستم استفاده می‌کنند. به‌طور کلی سیستم‌های ذیل در دنیا مطرح می‌باشند:

۱ - سیستم سرزمینی بودن قوانین جزایی

۲ - سیستم شخصی بودن قوانین

۳ - سیستم حق مجازات جهانی

۴ - سیستم واقعیت قوانین جزایی.

دو دسته حقوق برای گردشگران متصور است: حقوق خصوصی و حقوق عمومی اما حقوق خصوصی که در قوانین مختلف ما برای بیگانگان وضع شده است کمتر جای بحث دارد چرا که در این مقاله ما از حیث حقوق عمومی می‌خواهیم بررسی نماییم بنابراین به حقوقی نظیر ازدواج و حق تألیف و حق ثبت علائم و اختراعات، حق خرید و فروش، حق اشتغال و... اشاره‌ای نداریم؛ اما چه حقوقی را برای یک گردشگر می‌رود در نظر گرفت؟ آیا یک گردشگر که مدت اقامت او در ایران کوتاه است مانند یک ایرانی است؟ به نظر می‌آید می‌رود از حقوقی برای او سخن گفت که موجب آسایش خاطر و امنیت او باشد برای یک مسافر مهم‌ترین چیز جان و مال اوست دولت میزبان باید در این امر اصلاً کوتاهی ننماید؛ بنابراین مهم‌ترین حقوق جهانگردان را می‌رود در موارد ذیل فهرست کرد:

۱ - حق ترافع قضایی و اقامه دعوی: یعنی یک جهانگرد مثل تمام ایرانیان بتواند به راحتی در دادگاه‌های ایران برای احقاق حق از دست رفته و یا به دست آوردن یک حق مشروع خودش اقامه دعوی کند و بیگانه بودن او موجب محرومیت او نباشد. هر چه روش پیگیری دعوی از جانب جهانگرد به راحتی و سهولت بیشتر امکان‌پذیر باشد، اعتماد آنان به نظام قضایی ما بیشتر خواهد بود؛ و احساس امنیت خواهند کرد. البته این حق برای بیگانگان در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران وجود دارد ولی با شرایطی ویژه که درست هم است خصوصاً اگر طبق رفتار متقابل کشوری دیگر باشد.

۲ - ممنوعیت بازداشت بی دلیل او: جهانگرد باید وجود امنیت و آسایش را در یک کشور لمس نماید. اگر مقامات ایرانی بدون دلیل محکم و قانونی به دستگیری یک بیگانه اقدام کنند موجب می‌شود تا دیگران هم این حالت را برای خود تصور نمایند و از ورود به خاک ما پرهیز کنند.

۳ - حق احترام به شخصیت او: گردشگر به عنوان یک انسان دارای این حق طبیعی است که مورد کرامت قرار گیرد و این حق طبیعی نباید به هیچ وجه مورد تعرض و یا بی‌توجهی فرار گیرد. جدای از این که او دارای چه زبان، دین، نژاد و تابعیتی باشد. کشور میزبان موظف است به این امر و موضوع خوب توجه کند (فدوی، بی تا: ۲۲).

۴ - حق آشنا شدن با قوانین و آداب و رسوم کشور میزبان: هر کشور میزبان وظیفه دارد تا مقدماتی را فراهم آورد که جهانگردان قبل از ورود به کشورش به گونه‌ای مناسب با قوانین و رسوم بسیار مهم دینی و یا ملی جامعه‌اش آشنا گردند. به خاطر اینکه با ورود خود مشکلی را برای کشور میزبان و خودشان ایجاد ننمایند. پس برای این منظور باید در یک مجموعه‌ای مختصر و جامع و به صورت کتابچه که حاوی مهم‌ترین مقررات و سنن حاکم بر آن جامعه است را منتشر نماید و به هنگام اعطای حق ورود در اختیار جهانگردان گذارد.

۵ - حق برخورداری از خدمات به موقع و مناسب: باز هم تکلیف دولت میزبان است تا امکانات خوبی را جهت این امر فراهم نماید. چون اگر گردشگر به طور فورس ماژور با مشکلاتی مواجه شد بتواند خیلی سریع آنان را حل کند و

اگر دولتی در این زمینه‌ها اقداماتی شایسته را انجام دهد به تعداد مهمانان او هم افزوده خواهد شد. پس برای حمایت از گردشگر لازم به نظر می‌رسد که این را به عنوان حق طبیعی برایش در نظر گرفته و به او در شرایط ضروری کمک سریع رسانده شود (فدوی، بی‌تا: ۲۲).

هر کشوری برای حفظ میراث فرهنگی و احترام به نظم عمومی و اخلاق حسنه مقرراتی را وضع می‌کند که تمام اتباع داخله و خارجه ملزم به رعایت آن می‌باشند. هر دولتی نیز جهت ایجاد آرامش و امنیت در مملکت خودش سیاست‌هایش را اعمال می‌کند تا موجبات حفظ آرامش را برای عموم مردم با رعایت تمامی جوانب فراهم کند؛ بنابراین در تمام جهان هم ما یک سری جرائم را سراغ داریم که هرکسی آن‌ها را مرتکب شود محکوم به مجازات است. هر که باشد و از هر کجا هم باشد. ما آن‌ها را در عنوان تکالیف عمومی جهانگردان می‌گنجانیم. در تمام سیستم‌های حقوقی دنیا هم روی این امر با هم اتفاق نظر دارند. جرائمی مثل سرقت، زدو خورد، قتل و هتک حرمت و... که در سر تاسر جهان مجازات‌هایی را به دنبال دارند هر چند متفاوت باشد (فدوی، بی‌تا: ۲۲).

پس هر گردشگری که وارد ایران می‌شود با آگاهی از این نوع جرائم ملزم است که رعایت کند تا کارش به محاکم ما نکشد. موضوع حفظ آثار ملی و میراث فرهنگی هم از همین اهمیت برخوردار است یعنی یک جهانگرد می‌داند و باید بداند که احترام به حقوق متعلق به دیگران وظیفه و تکلیف اوست. این نیازی به استدلال و برهان ندارد؛ اما همیشه موضوع به این راحتی نیست که ما بتوانیم تکالیف علی‌حده‌ای را برای جهانگردان فهرست کنیم و تازه درست هم نیست که بار فراتر از توان و طاقت را بر بیگانه‌ای تحمیل نماییم. شاید وقتی ما حرف از تعدیل می‌زدیم بیشتر هدف ما همان مواردی بودند که جنبه عمومی و جهانی نداشتند نه آن مواردی که از تکالیف عمومی یک گردشگر در تمام نقاط دنیا است. پس از تکالیفی که بسته به آداب و رسوم و مذهب یک کشور است برای بیگانه باید دقیقاً تعریف گردد و شناسانده شوند و نباید انتظار داشت که یک خارجی و بیگانه کاملاً مانند یک تبعه داخلی رفتار کند و کوچک‌ترین نافرمانی او مورد مجازات قرار گیرد. در هر صورت موارد ذیل از مهم‌ترین تکالیف گردشگران می‌تواند بشمار رود:

- ۱- احترام به اصول مسلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (البته قانون اساسی هم تعدیل و اصلاح گردد).
  - ۲- رعایت قوانین و مقررات جزایی (که البته باید تعدیل شود).
  - ۳- رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی
  - ۴- عدم دخالت در امور سیاسی
  - ۵- عدم سوء نیت نسبت به آثار ملی و میراث فرهنگی
  - ۶- احترام به آداب و رسوم ملی، فرهنگی و دینی
  - ۷- داشتن رابطه حسنه با اتباع ایرانی در طول اقامت خودش
- البته هر یک از تکالیف فوق می‌تواند مصادیق مشترک و متنوعی داشته باشد؛ بنابراین بهتر است که حدود و میزان آن مشخص گردد. تا بیگانه مشمول قاعده قبح عقاب بلا بیان نشود (ارفع نیا، ۱۳۹۵: ۲۸۲).

#### نتیجه‌گیری

در وادی تحولات صورت گرفته و حرکت به سمت جهانی شدن و پدیداری نظریه‌های همانند توسعه پایدار، روابط

مسالمت‌آمیز و حتی گفتگوی تمدن‌ها در قرن‌های اخیر می‌توان به ارزش اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و... این پدیده جهانی پی برد اما همان طور که در مطالب فوق‌الذکر گفتیم هدف گردشگری با گذشت زمان متفاوت می‌شوند و در این میان ایجاد امنیت برای گردشگران در درجه اول اهمیت قرار دارد و تنها نهادهایی می‌توانند موجه قوانین و مقررات و حمایت‌هایی از این صنعت مهم باشند نهادهای داخلی و بین‌المللی هستند به همین جهت مقاله حاضر به لحاظ اهمیت موضوع هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی ضمانت اجرای کفتری حقوق گردشگران در مناطق مختلف جغرافیایی کشور با توجه به فرهنگ‌ها و اقوام مختلف. با توجه به این که گردشگری اساساً مبتنی بر حرکت از یک مکان جغرافیایی به مکانی دیگر است که ساکنان آن (مقصد) از نظر فرهنگی و قومیتی با گردشگران خارجی (مبدأ) یکسان نیستند و بنابراین ممکن است برخوردها و نزاع‌هایی که جنبه حقوقی داشته باشند.

گردشگری به عنوان صنعت نوظهور عصر جدید، به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان تبدیل شده است. بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه نیز از صنعت گردشگری به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند. این رویه کشورها را واداشته است تا با اتخاذ محدودیت‌ها و راه‌حل‌هایی، آن را در جهت پایدار هدایت کنند؛ بنابراین تدوین قوانین و مقرراتی به منظور حمایت از گردشگران (توریست‌ها) و ایجاد امنیت برای آن‌ها امری ضروری است، زیرا ورود گردشگران خارجی به هر کشور و رونق گردشگری خارجی تا حد زیادی با قوانین و مقرراتی که از حقوق آن‌ها حمایت کند، مرتبط است. در ایران گردشگری دارای قدمت چند هزار ساله است، به نحوی که از زمان هخامنشیان مسافران زیادی (بانگیزه‌های تجاری) به ویژه از اروپا (یونان و دیگر کشورها) وارد ایران می‌شدند. به دنبال گسترش مسافرت به ایران، موضوع جلب جهانگردان خارجی و نیز ایجاد سازمانی برای تمرکز امور مربوط به سیاحت مطرح شد. حقوق جهانگردان غیرمسلمان در ایران، نیازمند توجه به منابع فقهی و تعالیم دینی، در این رابطه است. این گروه از جهانگردان به اعتبار انسان بودن و میهمان بودن محترم هستند. اگرچه در فقه اسلام احکام مفصلی در خصوص ارتباط مسلمانان با کفار بیان شده، ولی وسعت ارتباطات و مسائل مستحدثه‌ای که سابقه طرح نداشته ایجاد می‌کند، با مجاهدت و کوشش فقها مشکلات و مسائل فقهی مربوط به جهانگردان غیرمسلمان برطرف شود. از سوی دیگر، بهره‌گیری از احکام حکومتی نیز ابواب مسدود شده موضوع را خواهد گشود. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه همسانی دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی با مسلمانان گام مؤثری در ارتقای حقوق جهانگردان غیرمسلمان در ایران است؛ اما هنوز خلاءهای قانونی بسیاری وجود دارد و باید برای رسیدن به وضع مطلوب تلاش‌های گسترده‌ای صورت گیرد. به عقیده نگارنده، ایجاد سازمان جهانگردی و میراث فرهنگی تمهید مناسبی است که سبب ارتقای حقوق جهانگردی می‌شود. این سازمان می‌تواند با هدایتگری و ارشاد بخش خصوصی و توسعه دامنه فعالیت این بخش به خارج از کشور، اسباب رونق بیش‌تر این صنعت را فراهم کند.

علاوه بر این برای تکامل حقوق جهانگردی در ایران حمایت‌های اداری از بخش‌های مرتبط با جهانگردی و تأمین امنیت قضایی جهانگردان ضرورتی انکارناپذیر است. صنعت نوپای جهانگردی نیازمند اعطای تسهیلات وسیع اقتصادی در زمینه‌های مالیاتی، بانکی و گمرکی است. توسعه صنعت بیمه در این زمینه کمک مضاعفی به رونق

آن خواهد کرد. می‌توان با بیمه کردن جهانگردان، اموال و وسایل ایشان، راه جبران خسارت را تسهیل کرد. در زمینه حمایت‌های تقنینی از جهانگردان غیرمسلمان به نظر می‌رسد با عنایت به اصول ۱۴ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قابلیت‌های زیادی برای شناسایی حقوق این گروه از جهانگردان وجود دارد. در حال حاضر آنچه بیش‌تر اهمیت دارد، تضمین امنیت جهانگردان در زمینه‌های گوناگون است. نباید متعرضان به جهانگردان احساس ایمنی کرده و چهره کشور ایران را در میان ملل دیگر مخدوش کنند. برای این منظور، تغییر در برخی مواد قانون مجازات اسلامی ضروری است. در ضمن پیشنهاد می‌شود پاره‌های از قوانین جرم‌زا که سبب فرار متخلفان از مجازات می‌گردد، اصلاح شود و مورد بازنگری قرار گیرد؛ از جمله این قوانین، تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی است که بیان می‌دارد: در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر به دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم شود که مجنی علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطا شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دپه از او ساقط است.

### منابع

- احمدلو، حبیب(۱۳۸۱)، بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی طامه، محمدرضا(۱۳۸۷)، رویکردی نظری به رابطه دولت سرزمینی مدرن و قوم‌گرایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، تهران: دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- احمدی، حمید(۱۳۸۴)، مجموعه مقالات درآمدی بر هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ، فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- اردبیلی، محمدعلی(۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- ارفع نیا، بهشید(۱۳۹۵)، حقوق بین الملل خصوصی: تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان، تهران: انتشارات بهتاب - دی.
- اسدزاده، علی و خلیلی، عاطفه(۱۳۹۴)، حقوق در گردشگری با توجه به رویکرد جامعه بین الملل و همبستگی ملل، دومین همایش ملی گردشگری سرمایه ملی و چشم‌انداز آینده، تهران
- اکوانی، سیدحمده(۱۳۸۷)، گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۶
- اکبری، پیمان و محمد نظری(۱۳۹۵)، گردشگری شیعی-اسلامی راهکاری در توسعه بیداری اسلامی بین دول مسلمان، فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی، سال دوم - شماره ۱/۱
- آموسی، مجنون(۱۳۸۴)، بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- امیدیان، مرتضی(۱۳۸۴)، مقایسه وضعیت هویت‌یابی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در گروه‌های قومی استان خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۴، شماره ۷
- اوزکریملی، اوموت(۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه مصطفی امیری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- بهرام پور، حبیب(۱۳۹۱)، حقوق و تکالیف بیگانگان در ایران، برگرفته از سایت: [iranianlaw.blogfa.com/http://](http://iranianlaw.blogfa.com/)
- جعفری صمیمی، احمد و خیره شیما(۱۳۹۲). اثر گردشگری بر توسعه انسانی، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ۲، شماره ۷: ۲۴-۱۱.
- خالقی، علی(۱۳۹۲)، جستارهایی در حقوق جزا بین‌الملل، تهران: شهر دانش.